

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمتیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین
تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترق

روزنامه

شنبه ۲۰ دی ۱۴۰۴ • ۲۰ رجب ۱۴۴۷ • ۱۰ ژانویه ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۳۰۱ • صفحه ۴ • طبع روز شنبه ۱۲:۱۲ • اذان مغرب ۱۷:۲۹ • اذان صبح فردا ۰۵:۴۶ • طلوع آفتاب ۷:۱۴



instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

شبکه‌خوانی

پیکر سعید پیردوست به خاک سپرده شد

ایسنا: مراسم خاکسپاری سعید پیردوست در قطعه هنرمندان بهشت زهرا برگزار شد. مزار این هنرمند فقید در قطعه هنرمندان در کنار مسعود ولدبیکسی و کامبوزیا پرتوی است. پس از مراسم خاکسپاری سیاوش قاسمی -بازیگر سینما و تلویزیون- در سخنان کوتاهی با اشاره به جایگاه و ویژگی‌های نسل مرحوم پیردوست، بر لزوم حفظ میراث فرهنگی و هنری آنان تأکید کرد. این بازیگر با اشاره به ویژگی‌های نسل مرحوم پیردوست، گفت: او نماد نسلی بود که با اصولی استوار، با عشقی سترگ به هنر و انسانیت و با هویتی عمیقاً ایرانی و متعهد، قدم در راه گذاشت. در ادامه مراسم مختار سائق، بازیگر و دوست دیرینه مرحوم پیردوست، با سخنانی صمیمانه و تأثیرانگیز به بیان خاطرات و ویژگی‌های اخلاقی وی پرداخت. سائقی صحبت خود را این‌گونه آغاز کرد: مردم مثل همیشه با محبت و توجهشان ما را شرمندہ کردند. دستان درد نکند. آرزو می‌کنم اگر فرصتی بود، محبت‌هایتان را جبران کنیم. او با اشاره به برابریودن زندگی هنری مرحوم پیردوست گفت: خیلی با زنده‌یاد پیردوست کار کردم. از نقطه‌چین، مرد هزارچهره و شب‌های برره بگیرد تا آثار دیگر، او در پایان با یادآوری تلفات متعدد جامعه هنری در سال‌های اخیر گفت: آقای پیردوست و خیلی از بازیگران و دوبلورها و نویسندگان و کارگردان‌های بزرگ را در چند سال گذشته از دست داده‌ایم و همه زندگی‌مان شده تأسف. برای همه بهترین‌ها را آرزو می‌کنم. یک بار دیگر می‌گویم که ما یک ستاره درخشان را از عالم هنر از دست دادیم. به افتخارش، این‌گونه که ایستاده‌اید، دست بزنید. سپس در ادامه مراسم زنده‌یاد سعید پیردوست، مهوش وقاری، هنرمند سینما و تلویزیون، با بیان سخنانی کوتاه، ضمن تسلیت و ابراز تأسف از درگذشت این بازیگر نامدار، به کم‌بودن تعداد همکاران و هنرمندان حاضر در مراسم اشاره کرد.

وقاری گفت: در بدو ورود به قطعه هنرمندان بعضی از مردم اظهار تأسف کردند که همکاران عزیز ما چرا این‌قدر کم هستند. پله من الان هرچقدر نگاه می‌کنم متأسفانه شاهد این مسئله هستم، نمی‌دانم این موضوع را واقعاً پای چه بگذارم. به هر حال، روح ایشان شاد باشد.

جاده‌خوانی

جاده‌مرگ

طی چند روز گذشته حوالی ساعت ۷:۵۰: صبح یک دستگاه مینی‌بوس حامل کارگران معدن مسن بردسکن در محور جاده خاکی «دهان‌قلعه» بخش «انابد» دچار حادثه شد و ۱۱ کارگر مرد مصدوم و به نزدیک‌ترین مرکز درمانی منتقل شدند. طبق گزارش منابع کارگری، آمار وقوع تصادفات برای خودروهای حامل کارگران در جاده‌های خاکی و معدنی منطقه بردسکن بسیار زیاد است و در این خصوص مسئولان باید چاره‌اندیشی کنند. این بار نوبت کارگران معدن بود که در این جاده مرگ که بارها دانش آموزان، مسافران و ساکنان این حوالی را کشته، دچار مشکل شده و سبب تصادف شود. چند روز قبل نیز در همین جاده یک اتوبوس واژگون شد. معاون فنی و عملیات اورژانس دانشگاه علوم‌پزشکی سبزوار گفت: «واژگونی اتوبوس در جاده بردسکن به سبزوارد دو کشته و ۴۰ مصدوم برجای گذاشت که حال تعدادی از مصدومان وخیم گزارش شده است». همچنین مشابه این اتفاق چند ماه پیش در همین جاده رخ داد و در فردرین‌ماه مدیر شبکه بهداشت و درمان شهرستان بردسکن گفت: «واژگونی یک دستگاه مینی‌بوس سرویس کارگران معدن در کیلومتر ۲۰ محور بردسکن-سبزوار منجر به مصدوم‌شدن ۱۱ نفر شد». حسین امامیان در این زمینه گفته بود: «این حادثه ساعت ۱۶:۱۰ عصر رخ داد. یک نفر نیازمند مشاوره ارتوپدی و چهار نفر نیاز به مشاوره متخصص جراحی داشتند که هم‌اکنون تحت نظر و درمان هستند». این اتفاق بارها و بارها رخ داده است و این جاده همچنان قربانی می‌گیرد. کارگران و دانش‌آموزان جزء بیشترین قربانیان این مسیر هستند. این پرسش مطرح است که چرا هیچ اقدامی برای بهبود شرایط این جاده مرک انجام نمی‌شود؟

روز

روز تصمیم‌های دشوار و شجاعانه

علی‌اصغرسیدآبادی

پراکنده و کم‌تعداد بود و در برخی مناطق مثل شمال غرب کشور یا سیستان وبلوچستان، در روزهای اول سکوت حکمفرما بود، باین‌حال، از روز پنجشنبه تغییری در اعتراضات رخ داده است. بنا بر گفته برخی رسانه‌ها، برخورد نیروهای انتظامی با معترضان نرم‌تر از گذشته بوده و هم‌زمان گزارش‌هایی از تخریب‌های برخی از اموال عمومی و ساختمان‌های دولتی در تهران و شهرهای مختلف منتشر شده است. چرخش آشکار اعتراضات از پنجشنبه‌شب ویژگی‌هایی دارد: کشیده‌شدن اعتراضات به مناطق مرکزی تهران و البته در عین حال پراکندگی جغرافیایی اعتراضات در تهران، گسترش اعتراضات به شهرهای گوشه و کنار کشور، تنوع مردمی از همه قشرها و به‌ویژه حضور پررنگ نسل جوان در شهرهایی مثل مشهد که بیشترین سخت‌گیری‌ها در آن اعمال می‌شد و این همه در پاسخ به یک فراخوان بود.

پیش از این، بسیاری از ناظران گمان نمی‌کردند چنین فراخوانی با پاسخ مثبت روبه‌رو شود، اما عوامل مختلفی به این موضوع کمک کرد.

ناکامی اعتراضات پیشین و انباشت ناراضیاتی‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و استفاده‌نکردن از فرصت‌های

تحلیل‌خوانی

جنگ بدون گلوله

چگونه «شبح جنگ» به سلاح ارزی وروانی تبدیل می‌شود!



علیرضادقیقی

فرسایش تدریجی مشروعیت. کشور هدف عملاً وارد نوعی «تحریم ذهنی دائمی» می‌شود؛ حتی اگر تحریم رسمی جدیدی وضع نشده باشد.

چگونه بفهمیم ترس واقعی است یا مهندسی‌شده؟

ترس مهندسی‌شده الگوی مشخص دارد: خبرها مبهم‌اند، زمان و اقدام مشخص ندارند، در چند رسانه و چند زبان به‌طور هم‌زمان تکرار می‌شوند و اغلب هم‌زمان با مذاکرات یا فشارهای اقتصادی منتشر می‌شوند. این هم‌زمانی و ابهام، نشان‌دهنده یک –koordini- erte Kampagne (کمپین هماهنگ) است. نه صرفاً اطلاع‌رسانی عادی. در مقابل، ترس واقعی معمولاً با اعلان‌های رسمی زمان‌دار، تغییرات محسوس در بیمه، کشتیرانی و هوانوردی و logistische Mobilisierung (بسیج لجستیکی) همراه است؛ نشانه‌هایی که هزینه واقعی دارند و بازار حرفه‌ای به آنها واکنش جدی نشان می‌دهد.

چرا «لبه جنگ» نقطه طلایی است؟

ایستادن در لبه جنگ، بهترین وضعیت برای فشار است: نه هزینه نظامی می‌دهید، نه کنترل از دست‌تان خارج می‌شود؛ اما جامعه هدف دچار chronische Verunsicherung (اضطراب مزمن) می‌شود، سرمایه فرار می‌کند، تجارت گران می‌شود و مشروعیت به‌تدریج فرسایش می‌یابد. در عین حال، اگر روزی تصمیم به اقدام واقعی گرفته شود، افکار عمومی جهان از قبل آماده شده و مشروعیت آن نیز مهندسی شده است. به بیان ساده، این جنگی

یک شمشیر

شمشیر تدیس ژاندارک در منطقه هشتم شهر پاریس ناپدید شده است. براساس شواهد، مردی با شکستن اثر، شمشیر را از مجسمه جدا کرده و با خود برده است. انگیزه این اقدام هنوز مشخص نشده است. احتمالاً این اثر قابل ترمیم نیست. این مجسمه، تنها تندیس موجود در پاریس است که ژاندارک، دوشیزه اورلئان را در حالی نشان می‌دهد که شمشیر در دست راست خود دارد.

یادداشت

بحران سیاست‌گذاری در اقتصاد ایران

به عنوان مثال، به جز وزارت صمت و کشاورزی، وزارت نیرو، همچنین دستگاه‌هایی مثل شستا و صندوق بازنشستگی و مانند اینها، از یک سو و سازمان برنامه، وزارت اقتصاد و بانک مرکزی از سوی دیگر باید هماهنگ عمل کنند. نمی‌شود جهاد کشاورزی به سمتی برود که برنج و گندم وارد کند و ارزیبری را موجب شود. سبد کشت بهینه را نتواند مدیریت کند، یا وزارت صمت نتواند با انصاف نتواند ارز حاصله را با قیمت صحیح وارد کنند. بعد بانک مرکزی را زیر سؤال ببریم. پول خارجی نیز مثل یک کالا می‌ماند و قیمت دارد و در نظام بازار، از طریق عرضه و تقاضا تعیین تکلیف می‌شود. طرف عرضه ارز در بازار پول خوب کار نمی‌کند و بازیگران آن عمدتاً دولتی‌ها و خصوصی‌ها هستند و به میل آنها رشد کرده است. تا زمانی که تبدیل ارز به پول ملی در داخل به روش صحیح انجام نمی‌شود، طرف عرضه ارز نقش خود را نمی‌تواند ایفا کند. سوزان جورج، اقتصاددان فرانسوی می‌گوید: «وام خارجی بدون وجود سلامت کاری و در فقدان نهادهای مطلوب، هرز می‌رود و در دامان فساد گرفتار می‌شود». البته هر چیزی که به نهادهای ناکارآمد داده شود، هرز می‌رود. چه پول نفت باشد و چه حتی هسر امر قابل احترامی، هر نوع تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌های ترجیحی و برنامه‌ای در فضای نامساعد این‌چنین است و توسط فعالان ناسازگار، به سوءاستفاده و فساد می‌گراید. نمی‌شود که بستر را درست نکرد و رها کرد و امور را به دست اقتصاد به اصطلاح آزاد گذاشت. طبق نظریه بازی‌ها و رفتارهای عقلایی، عوامل بازار با مردم و دولت بازی خواهند کرد و در فضای آزاد بیشتر سراغ سود باآورده می‌روند. اقتصاد آزاد نیز بستر و نهادهای مناسب می‌خواهد. مثلاً بازیگران خصولتی، باید به درستی رصد و اصلاح مدیریتی و عملکردی شوند. البته در ساخت یا اصلاح نهادها بحث فراوان است. از مدرسه تا دانشگاه باید با رویکردی خاص، کار شود که اینجا قصد شرح نداریم. ارزآوران کلان متکثر نیستند و غالباً به بخش عمومی تعلق دارند. اینها ارز خود را کجا عرضه می‌کنند؟ صرف چه هزینه‌ایی می‌کنند؟ بعضی فعالیت‌ها، ارزش‌افزوده ایجاد نمی‌کند، موجب تزیین پول در جامعه می‌شوند، اما معادل رشد نقدینگی، در جامعه تولید چرخش نمی‌کند! این وضعیت، شرایط معادله معروف به مبادله را به شدت نامتوازن می‌کند. بعد از جنگ ۱۲ روزه، به ناچار و به ضرورت، این دست از فعالیت‌ها بیشتر شده است. باید توازن را با دیگر فعالیت‌های تولیدی که چرخش دارند، برقرار می‌کردیم. نه‌تنها کم‌توجهی شد، بلکه به سمت رهاسازی رفتیم؛ و نتیجه رشد سرسام‌آور تورم شد. نباید با تصمیمات غلط اقتصادی، وضعیت را بدتر کنیم. در شرایطی که اقتصاد باید مدیریت شود، آزادسازی منجر به ایجاد بحران مضاعف می‌شود. هر نفر مبلغی را تحت عنوان کالابرگ دریافت کند که این کمک بودجای غیرمستقیم محدودی است که صرفاً مشابه ۴۸ هزار تومان مربوط به نقدی‌سازی یارانه‌ها، بی‌نتیجه می‌ماند و تنها اثر آن، جذب آذنان عوام برای مدت کوتاهی است. راه درست، مدیریت منابع و مصارف در فرایند کامل، از تصمیم‌گیری بر پایه مطالعات علمی تا اجرا و نظارت با روش‌های صحیح است. ضعف مدیریتی را با آزادسازی و رهاکردن اقتصاد پوشش نمی‌دهند. اگر بخش عمومی و خصوصی، کارآفرین نیست و کارایی لازم و مورد انتظار را ندارد، بخش خصوصی می‌تواند متولی حسن اجرای سیاست‌ها شود. اما باید به انصاف قدرت و اختیار داد و متقابلاً آنها مسئولیت‌پذیر باشند و پاسخ‌گو. هر نوع حمایت و پشتیبانی از بخش خصوصی، توسط دولت مورد ارزیابی قرار گیرد. دولت جایک، قوی و مقتدر عمل کند، بی‌دلیل بدنه خود را گسترش ندهد، خود را از اجرا خارج کند و بسیاری از امور اقتصادی را به بخش خصوصی بسپارد. دولت تاجر خوبی نیست، باید سیاست‌گذار و ارزیاب خوبی باشد. به این منظور خود را از ابزارهای سیاست‌گذاری و تأثیرگذاری در اقتصاد، آن‌هم در شرایط تحریم محروم نکند و از اداره اقتصاد کشور کنار نکشد. «دیرخانه شورای عالی اقتصاد که با دستگاه‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در ارتباط است، باید فعال عمل کند، نه متعل و مبتنی بر سند مطالعاتی متفن با اقتصاد ایران رفتار کند.

مختلفی که مردم در اختیار کارگزاران قرار می‌دادند، از دلایل اصلی اعتراضات اخیر و به‌ویژه پنجشنبه‌شب بود؛ اعتراضاتی که در ظاهر جمع می‌شد، اما از بین نمی‌رفت.

از سوی دیگر، در یک دهه اخیر تمام چهره‌هایی که در داخل کشور به‌نوعی نماد اعتراض و اصلاح شناخته می‌شدند، از یک سو با محدودیت‌های پرشمار روبه‌رو بودند و از سوی دیگر با سیاست‌های رسواسازی در شبکه‌های اجتماعی مواجه بودند که بعدها معلوم شد بخشی از آن از طریق سیم‌کارت‌های سفید اعمال می‌شد. انباشت روزافزون ناراضیاتی، بدون دریافت پاسخ از سوی کارگزاران و تضعیف نیروهای میانه از دو سو، وضعیتی دوقطبی را به وجود آورده است و نیرویی میانه و میانیجی در میان نیست. یادمان باشد ۵۰ درصد مردم در انتخابات شرکت نکردند. عقلانیت ایجاد می‌کرد نخست به مطالبات آن ۵۰ درصد قهرکرده توجه شود، اما سازوکارهای اداره کشور نه‌تنها آن ۵۰ درصد را نادیده می‌گرفت، بلکه تمام هم‌وغم نمایندگان ۲۰ درصد شکست‌خورده این بود که مبادا مطالبات آن حدود ۳۰ درصد از جمعیت که برنده انتخابات شدند و با اگره رای داده بودند، برآورده شود.

اکنون زمان تصمیم‌گیری‌های شجاعانه و دشوار است، نه اقدامات مقطعی برای عبور از این ستون به آن ستون تا شاید فرجی در کار باشد.

است که نه در خاکریز، بلکه در نمودار نرخ ارز، شاخص بورس و صف‌های دلار دیده می‌شود.

خنثی‌سازی جنگ شبح: پروتکل ۷۲ ساعته

این جنگ با سلاح نظامی خنثی نمی‌شود؛ با سیاست عمومی هوشمندانه خنثی می‌شود. مهم‌ترین اصل، درک این واقعیت است که «ارز معلول است، نه علت».

در ۲۴ ساعت نخست، باید خلا اطلاعاتی را بست: بیانیه‌های کوتاه، دقیق و زمان‌دار، هماهنگی کامل پیام میان دولت و بانک مرکزی و پاسخ سریع و داده‌محور به شایعات. خلاً اطلاعاتی کارخانه شایعه است.

در ۱۲ تا ۲۴ ساعت بعد، باید انتظارات بازار تثبیت شود: انتشار داده‌های واقعی تجارت و ذخایر، معرفی ابزارهای Risikodeckung (پوشش ریسک) برای واردکننده‌ها و اعلام تقویم اطلاع‌رسانی. بازار به «قابل‌پیش‌بینی بودن» آرام می‌گیرد، نه به وعده. در ۲۴ تا ۴۸ ساعت، باید دومینو در گلوله‌ها قطع شود: تضمین بیمه و کشتیرانی برای جلوگیری از جهش هزینه تجارت، تسهیلات کوتاه‌مدت برای واردکننده‌ها تا پیش‌خرید هراسانه شکل نگیرد، ابزارهای رسمی حفظ ارزش دارایی برای مهار دلاری‌شدن ذهن و داشبوردهای Fact-check (Faktenprüfung) عمومی برای رسانه. در ۴۸ تا ۷۲ ساعت، نوبت Neurahmung des Narrativs (قاب‌بندی دوباره روایت) است: قاب‌بندی «ریسک تحت مدیریت با برنامه روشن»، انتشار نشانه‌های واقعی ثبات و پایش Frühwarn-indikatoren (شاخص‌های هشدار زودهنگام) پیش از رسیدن موج به بازار ارز.

بزرگ‌ترین خطای سیاست‌گذار این است که فکر کند جنگ از اولین گلوله شروع می‌شود. در حالی که بسیاری از کشورها سال‌هاست در جنگ‌اند، بی‌آنکه صدای انفجاری شنیده شود. این جنگ، جنگ شبح است؛ جنگی آرام، نامرئی و بسیار مؤثر که ستون فقرات اقتصادی و روانی یک ملت را هدف می‌گیرد. حال سؤال اساسی این است: آیا ما صدای این جنگ بی‌صدا را به‌موقع می‌شنویم؟

بزرگ‌ترین خطای سیاست‌گذار این است که فکر کند جنگ از اولین گلوله شروع می‌شود. در حالی که بسیاری از کشورها سال‌هاست در جنگ‌اند، بی‌آنکه صدای انفجاری شنیده شود. این جنگ، جنگ شبح است؛ جنگی آرام، نامرئی و بسیار مؤثر که ستون فقرات اقتصادی و روانی یک ملت را هدف می‌گیرد. حال سؤال اساسی این است: آیا ما صدای این جنگ بی‌صدا را به‌موقع می‌شنویم؟

تعداد قنات‌های پایتخت به حدود ۵۰۰ قنات رسید.

۵۰۰ قنات